



ماهنامه
مستقل
دانشجویی
شماره پنجم
فروردین ۱۳۹۹

شعر در بند
۷ فاطمه موسوی

قرنطینده زندگی
۶ نگین قربانی

اسطوره و
اسطوره‌شناسی
۴ علی نظری

قتل به نام غیرت

۲ کتایون یاسان

سخن سردبیر

امین عبیدی

چه کسی فکرش را می کرد که بیست و هشتم بهمن ماه آخرین روز ترم کنونی آن ها در دانشگاه باشد؟! و بیماری ای واگیر در سده ی بیست و یکم میلادی جهانی را خانه نشین کند؟

چه کسی گمان می کرد که در چنین اوضاع بحرانی ای کشور های غرب اروپا و امریکای شمالی با آن سطح از پیشرفت صنعتی قادر به درمان آن نباشند؟

چه کسی گمان می کرد که سراب برتری فرهنگی غرب بر شرق اینگونه و در این اوضاع سنگین در هم بشکند؟

سال ها خودزنی کردیم و مرغ همسایه را غاز دانستیم. به قدری منفی گرایی کردیم که خوبی های خود را فراموش کرده بودیم. این و بروس با تمامی مضرات فراوانش، با همه عزیزی که از کنارمان برد، کارگران و زحمتکشانی که زندگی سختشان را دو چندان دشوار کرد، حداقل یک نکته مثبت داشت و آن این بود که به ما نشان داد جلوتر از آن چیزی هستیم که می پنداریم.

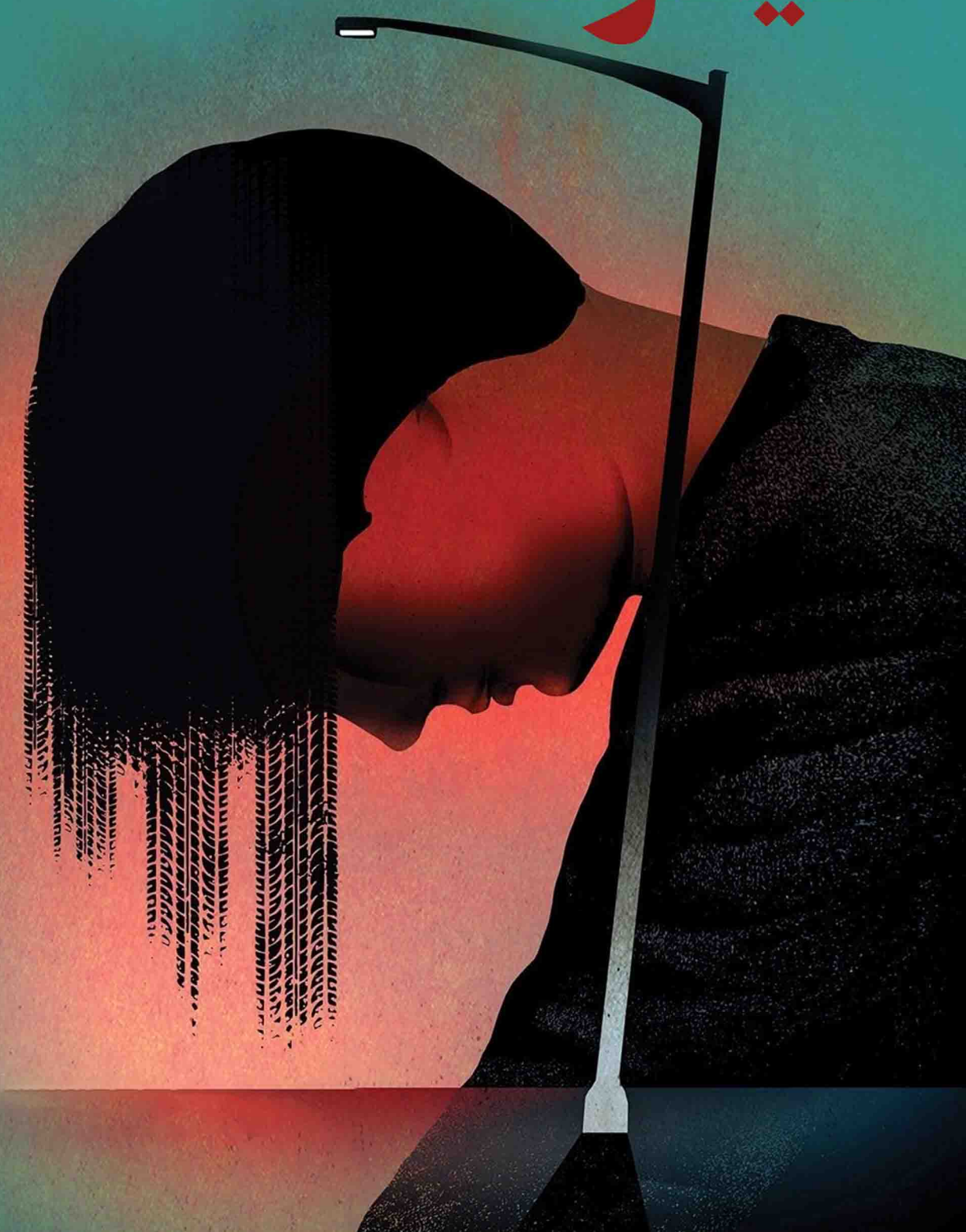
اگر دهه های پیشین را به یاد بیاوریم در می یابیم که چه مقدار مسیر رسیدن به آرمان هایمان را طی کردیم.

کی وقت آن فرا می رسد که بفهمیم اکنون زمان خودباوری است؟

ما محکوم به فنا نیستیم! محکوم به تلاشیم! آن پیشرفت غربی (چه راست و چه دروغ) که در آرزوی آن به سر می بریم ازلی نبوده و یکشبه نیز بوجود نیامده.

غرب آنرا از استعمار ملت ها و خونریزی و نژادستایی بدست آورد. ما غرب نیستیم! مشرقیان همواره ساختمان اقتدار خود را بر پایه تلاش خود ساخته اند. و اکنون اگر پس از سالها تلاش توانسته ایم از دوران افتادگی قجری رهایی یابیم حاصل تلاش های خودمان بوده. حاصل تلاش هایی با وجود پوئین های ستم بر گردنمان.

کی وقت آن فرا می رسد که بفهمیم اکنون زمان خودباوریست؟



قتل به نام غیرت



کتابخوان اجتماعی

این قتل‌ها اغلب زیر سایه واژه‌هایی چون آبرو، غیرت، شرف، ناموس و مردانگی شکل می‌گیرد و این واژه‌ها توجیه‌گر این قتل‌ها می‌شوند تا جایی که زن باید برای حفظ این صفات مرد از تمام حقوق اجتماعی‌اش محروم شده و موجودی مطیع شود در نتیجه خودش و فرزندانش تبدیل به مایملک مرد شده و اگر طوری زندگی نکند که او می‌خواهد و با این هنجارها درگیر شود مورد خشونت قرار می‌گیرد برای مثال حتی علاقه‌مند شدن به یک پسر نیز می‌تواند غیرت برادرش را جریحه دار کند. این قبیل نمونه‌ها نشان می‌دهد که تعریف غیرت و شرافت مردان تا چه حد به بیراهه رفته است.

روز یازدهم مهر ماه ۱۳۸۸ شیدای ۱۶ ساله به همراه کودک دو ساله‌اش با ضربات چاقوی برادرش، مهدی، جان سپرد. او که همسرش معتاد بود در حال صحبت کردن با مردی در خیابان توسط برادرش به قتل رسید. در دزفول جاسم که خود دارای سه زن بود دختر ۱۵ ساله‌اش را به دلیل اینکه فکر میکرد عمویش به او تجاوز کرده سر برید. مردی ۴۶ ساله نیز همسر صیغه‌ای و ۱۵ ساله خود را به دلیل سوءظن با ضربات چاقو مجروح کرد و مردی را که در خیابان با او صحبت می‌کرد به قتل رساند و دادگاه کیفری استان تهران با تصور **مهدورالدم** بودن مقتول او را تنها به پرداخت دیه محکوم کرد.

• ناموس پرستی

این بعد از معنای غیرت در ادبیات ما چیزی جز ناموس پرستی نیست و منظور از نوامیس، زنانی هستند که از نظر آن‌ها باید همیشه تحت نظرشان باشند در مصاحبه با **پیرمردی از اندیمشک می‌گوید که علت این قتل‌ها لباس پوشیدن و آرایش کردن زنانی است که فکر ابروی شوهرشان را نمی‌کنند** و طوری رفتار می‌کنند که شایعاتی در مورد آن‌ها ساخته شود که غیرت مردانشان تاب آن را ندارد. **رییس شورای شهر اندیمشک نیز اعتقاد دارد اگر قرار باشد کسی در رفتار خود تجدید نظر کند آن، زنان هستند.**

ننگی که این زنان به خانواده خود وارد می‌کنند انواع مختلفی دارد از جمله خودداری از ازدواج اجباری، قربانی یک تجاوز جنسی بودن، طلاق گرفتن - حتی از مردی خائن و نالایق - رابطه با جنس مخالف و ارتکاب زنا.

در خصوص این قتل‌ها اطلاعات دقیق آماری وجود ندارد و امکان دستیابی به تمام خانواده‌های این مقتولین محال است زیرا در بسیاری از قتل‌های ناموسی به خاطر حفظ آبرو جسد را به مراجع تحویل نمی‌دهند و روی این اتفاق سرپوش می‌گذراند اما در ایران به دلیل اخطارهای مکرر می‌توان خوزستان را **رتبه اول** در این خصوص دانست.

• خشونت علیه زنان

به ارتکاب این نوع از خشونت‌ها در مقابل زنان و دختران یک خانواده که به دلایل ناموسی رخ می‌دهد قتل‌های ناموسی گفته می‌شود. این زنان به علت ننگین کردن شرافت خانواده خود مجازات می‌شوند که حتی گاهی دلیل قانع کننده‌ای نیاز ندارد و مرگ هر لحظه با یک اتهام واهی در کمین‌شان است چنانکه بیش از ۵۰ درصد این قتل‌ها در خوزستان بر اساس ظن و شایعات صورت گرفته است.

رئیس پیشین دادگستری خوزستان - میرعباس سهراب بیگ - می‌گوید: وقوع قتل‌های ناموسی در خوزستان به یک مشکل جدی تبدیل شده است و اعلام شده بیش از ۴۰ درصد قتل‌ها در خوزستان قتل‌های ناموسی است و ۷۵ درصد از گمشدگان این استان زنان و دختران هستند که از خانه فرار کرده اند. وی علت این قتل‌ها را اینگونه بیان می‌دارد:

که قاتلان می‌دانند مجازات نخواهند شد و هیچ شکایتی از آنها وجود نخواهد داشت.

پس از خوزستان استان فارس و آذربایجان شرقی رتبه دوم و سوم را دارند.

در مقیاس جهانی نیز ایران در همسایگی با کشورهای قرار دارد که قتل ناموسی در آن امری عادی و از جمله حقوق طبیعی مردان به شمار می‌آید.

براساس آمار صندوق جمعیت سازمان ملل یک مورد از هر دو قتل علائم ناموسی دارد و سالانه حدود ۵۰۰۰ زن در قتل‌های ناموسی کشته می‌شوند و در کشورهایی مانند **پاکستان** هر ساله بیش از ۱۰۰۰ زن به دلایل حیثیتی کشته می‌شوند.



جاده ای به سوی اسکله و یگان (ژرفنا) جورج اورول

این کتاب توصیفی و شرح مشاهدات اورول است از طبقه کارگر انگلستان در فاصله دو دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰.

اورول در این کتاب امپراتوری بریتانیا را از درون به تصویر می کشد و نشان می دهد چگونه می شود در عین پیشرفت و سلطه خارجی، درون یک کشور روز به روز به سوی وضعیتی اسف بار تر برود. اورول موقعیت انگلستان میان دو جنگ جهانی را دقیق و واضح نشان می دهد و اظهار می دارد که آنچه بر کاغذ نشان از پیروزی و سرافرازی، بریتانیا پس از جنگ جهانی یکم است. واقعیت چیزی خلاف آن است.

واژه فروزین ستاروان

همتراز: بی بار، عقیم، بی حاصل /Setarvan/

واژه ای اوستایی (پارسی کهن) که جایگزین مناسبی برای واژه عربی "بی نتیجه" است و در گفتگوهای رسمی و یا دانش محور (آکادمیک) کاربردی است.

عمر توجه به پدیده خشونت در خانواده حتی در کشورهای توسعه یافته بیش از سه دهه نیست و درست زمانی که جوامع فکر می کردند خانه امن ترین مکان برای انسان است شواهد و آمار خشونت به برخی از مردم ثابت کرد خانه یکی از ناامن ترین مکان ها برای زنان و کودکان است چنانکه آمار جهانی زنان خشونت دیده می گوید که تعداد زنان مورد خشونت در خانه های خود بیشتر از آمار زنانی ست که به دلیل بیماری سرطان دچار آسیب شده اند.

برعکس تصویری که بسیاری ارائه می دهند در بررسی های علمی نشان داده شده که خشونت خانوادگی به یک فرد ختم نمی شود و فرد قربانی خشونت، در بزرگسالی همان رفتارهای خشونت آمیز را درون مناسبات خانوادگی خود به کار خواهد برد که از این پدیده به عنوان «گردش خشونت» یاد می شود پس می توان این نکته را در نظر گرفت که مردان نیز قربانی هنجارهای غلط اجتماعی و به دنیا آمدن در خانواده هایی سلطه گروسلطه پذیر هستند که این تعصبات را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده و نتیجه تلفیق این تعصبات با هیجانات و عواطف، ارزش های مطلق را به وجود می آورد که می تواند منجر به اینگونه خشونت ها شود. مجرمین قتل های ناموسی در ایران در پناه دو ماده ۶۳۰ و ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی بدون نگرانی از مجازات اقدام به قتل زنان می کنند و این دو ماده شرایط امنی را برای قاتلین فراهم می آورد. فردی که دختر خود را به قتل رسانده با خیال راحت و با استناد به ماده ۲۲۰ (پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد، قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد) می گوید من ولی دختر هستم و خود را مبری میکند. این مسئله که راه حل کاهش این قتل ها الزام قضایی نیست و ریشه فرهنگی دارد قابل انکار نیست اما با توجه به موارد گوناگون می توان نتیجه گرفت که اهمال و سهل انگاری قانون گذار منجر به رقم خوردن چنین فجایعی شده و تغییر نگاه قانون گذار را می توان اولین و مهم ترین راه مبارزه با قتل های ناموسی دانست.

ژرفنا

(جاده ای به سوی اسکله و یگان)

جورج اورول

مترجم: همایون حنیفهوند مقدم



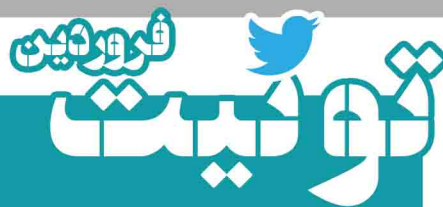
قیمت نسخه الکترونیکی (طاقچه): ۵۰۰۰ تومان
قیمت نسخه چاپی (نشر به سخن): ۲۶۰۰۰ تومان

معنی ترکیبی این واژه "استرمانند" است. **ستر** بمعنی استر، و **ون** به معنی شبه و مانند باشد و چون استر (همسر عبری خشایارشا هخامنشی) نمی زاید او را به این اعتبار بدین نام خوانده اند.

نمونه آن در جملات: بگذار که گفتگو بر سر این مسئله را ادامه ندهیم، این بحث، بحث "سترونی" است.



حسن روحانی
@Rouhani_ir



رئیس جمهور در جلسه بارؤسای کمیته های ستادملی مبارزه با #کرونا: مردم پروتکلهای بهداشتی را با جدیت رعایت کنند، می توانیم به تدریج به شرایط قابل اطمینان در مقابله با کرونا دست یابیم.
آغاز فعالیت کسب و کارهای کم ریسک به معنای تغییر شرایط فاصله گذاری اجتماعی وعدم رعایت دقیق پروتکلهای بهداشتی نیست.

از نخستین سده های شکل گیری تمدن های بشری، داستان هایی می خوانیم که رنگ و بویی از زندگی امروزی ندارند. خدایان، نیمه خدایان و انسان های فراطبیعی شخصیت های اصلی این داستان ها هستند. آنچه از تاریخ مکتوب آدمیان به ما رسیده نشان می دهد که روزگاری، افسانه ها و اساطیر باور دینی مردم بوده اند. چرا که پاسخ بسیاری از پرسش های آدمیان در این افسانه ها جای داده شده است. پرسش هایی مثل نحوه شکل گیری آدمیان، آغاز زمین و پایان آن و توجیه پدیده های طبیعی همواره حتی در دنیای مدرن هم، اندیشمندان و مردم عادی را به کنکاش در هستی گماشته است.

این عقاید توسط حاکمان و روحانیون شرح و بسط داده می شده و مردم نیز آنان را معمولاً می پذیرفتند. چه بسا آنکه اگر کسی سخنی منطقی اما علیه این عقاید می گفت، مورد تمسخر و حتی مجازات قرار می گرفت. پس می توان اینگونه گفت که اسطوره گویی زمانی محور اصلی دین بوده و چه بسا هم اکنون محور بسیاری از ادیان بجا مانده باشد. بطور کلی می توان گفت اسطوره پیوندی ناگسستنی با عقاید دینی داشته و دارد. همواره تاثیرات خود را بر عقاید مردم گذاشته و آن را نمی توان از ذات انسان دور داشت، زیرا که او نیازمند جوابی دست کم موقت برای پرسش هایی است که ذهنش را مشغول کرده است.

آن کلمه که در پارسی با آن این موضوعات را مدنظر قرار می دهیم (اسطوره) معرب واژه ای یونانی (ιστορία) است. این واژه به معنای جستجو، آگاهی و داستان می باشد و بنا بر آنچه گفتیم با آنچه مدنظر ماست بی ربط نیست. در **پارسی نو** (دری) معادل دقیقی نمی توان بر اسطوره وضع نمود. عده ای معتقدند لفظ **افسانه** باید استفاده گردد که از افسانه معانی دیگری به ذهن متبادر می گردد که معمولاً مربوط می شود

به صرف داستان های تخیلی. اسطوره معنایی عام تر از افسانه دارد و بعضی مصادیق آن را هم شامل نمی شود. در انگلیسی نیز هم عرض اسطوره کلمه **Myth** می باشد که دقیقاً مصادیق برابر با مترادف پارسی خود دارد و موارد استفاده آن مشابه اسطوره است.

● اسطوره حقیقت یا خیال؟

همواره سوالاتی بوده مبنی بر واقعیت یا تخیل بودن اساطیر. آیا آنها تماماً واقعیت داشته اند یا اینکه ساخته ذهن بشرند و تماماً تخیلات ایشانند؟ یا آنکه آنها همان تاریخ آدمیند که بخاطر عدم کتابت، تحت تاثیر فراموشی ها و زیاده روی های راویان آن ها آنچنان تغییر کرده اند که از واقعیت قابل تشخیص نیستند؟ مسئله دیگری که مطرح می شود این است که اسطوره سازی تنها مربوط به جهان باستان بوده یا کماکان ادامه یافته است؟

در راستای پاسخ به پرسش های فوق نظریات بسیاری داده شده که حاصل اندیشه های دانشمندان توده شناسی، تاریخ دانان، باستان شناسان و حتی فلاسفه بوده اند. توده شناسان که مطالعات آنها برای شناخت فرهنگ عامه و فولکلور صورت می گیرد طبیعتاً در این زمینه صاحب نظرند. **لوری هونکو** توده شناس فنلاندی این تعریف را بر اسطوره ذکر نموده:

اسطوره، داستانی از خدایان، یک روایت دینی از آغاز جهان، خلقت، وقایع اساسی، اعمال نمونه خدایان که در نتیجه آنها جهان، طبیعت و فرهنگ به همراه همه قسمت های آن ایجاد شده و ترتیب کنونی خود را بدست آورده. اسطوره ارزشها و هنجارهای دینی جامعه را بیان و تایید می کند و الگوی رفتاری را برای تقلید معین می کند. گواهی به اثر بخشی آیین با اهداف عملی آن می دهد و حرمت تفرقه را برقرار می کند.

با ذکر این تعریف پیوند تنگاتنگ اسطوره و دین و به تبع آن فرهنگ عامه به نظر می آید. ناممکن است که بگوییم دین و اسطوره جدا بوده اند. زیرا که مجموعه باورهای اساطیری اغلب در زمان رونق خود دین نام میگرفته و گذر زمان و جایگزینی دین دیگر با آن و یا پیشرفت علم و ناممکن در نظر آمدن آن، آن را از عقاید آدمی خارج کرده است.

عده ای به سادگی اساطیر را وهم مطلق آدمی می دانند و آنرا مربوط به دوران کودکی تفکر آدمی دانسته اند که اکنون در دوران رشد انسان به خرافات بودن آن پی برده است. این مسئله تا حدود زیادی سطحی عمل می کند. آنچه در بسیاری از اساطیر آمده و مربوط به کار های انسان هاست بارها شده که در تاریخ مکتوب و یا حفاری های باستان شناسان به دست آید. برای نمونه می توان به **جنگ تروا** اشاره نمود. مدتهاست که بر سر این جنگ بحث است. از آنجا که در داستان آن عناصر خداگونه بسیار فعالند، **آشیل** قهرمان اصلی **ایلیاد هومر** نیز روئین تن است و همین موارد این داستان را از جهان واقع دور می سازد. اما بعد تر یافته های باستان شناسانه حکایت از وجود شهری در آسیای صغیر به مانند تروا را تایید کرد. آنچه امروز در دست ماست ایلیاد هومر است که روایت دقیق جنگ را با حالتی اساطیری نشان می دهد. این نشانه ای بر این است که اسطوره مبنای خود را در واقعیت یافته است و همه ی آن تخیل نیست.

نمونه قابل لمس تر آن **شاهنامه** است. دو بخش اول آن یعنی بخش اساطیری و پهلوانی حالتی افسانه گونه دارند. نمونه آن **کیانیانند** که گویی دارای قدرت فراوانی در عصر خود می باشند و نامهایی می بینیم که در یافته های تاریخی به آنها اشاره ای نشده است. اما شباهت های بسیاری در آن با تاریخ مکتوب می بینیم به خصوص پایان کیانیان که توسط اسکندر صورت میگیرد و به شکست **دارا** می انجامد.

اسطوره

واسطوره‌شناسی



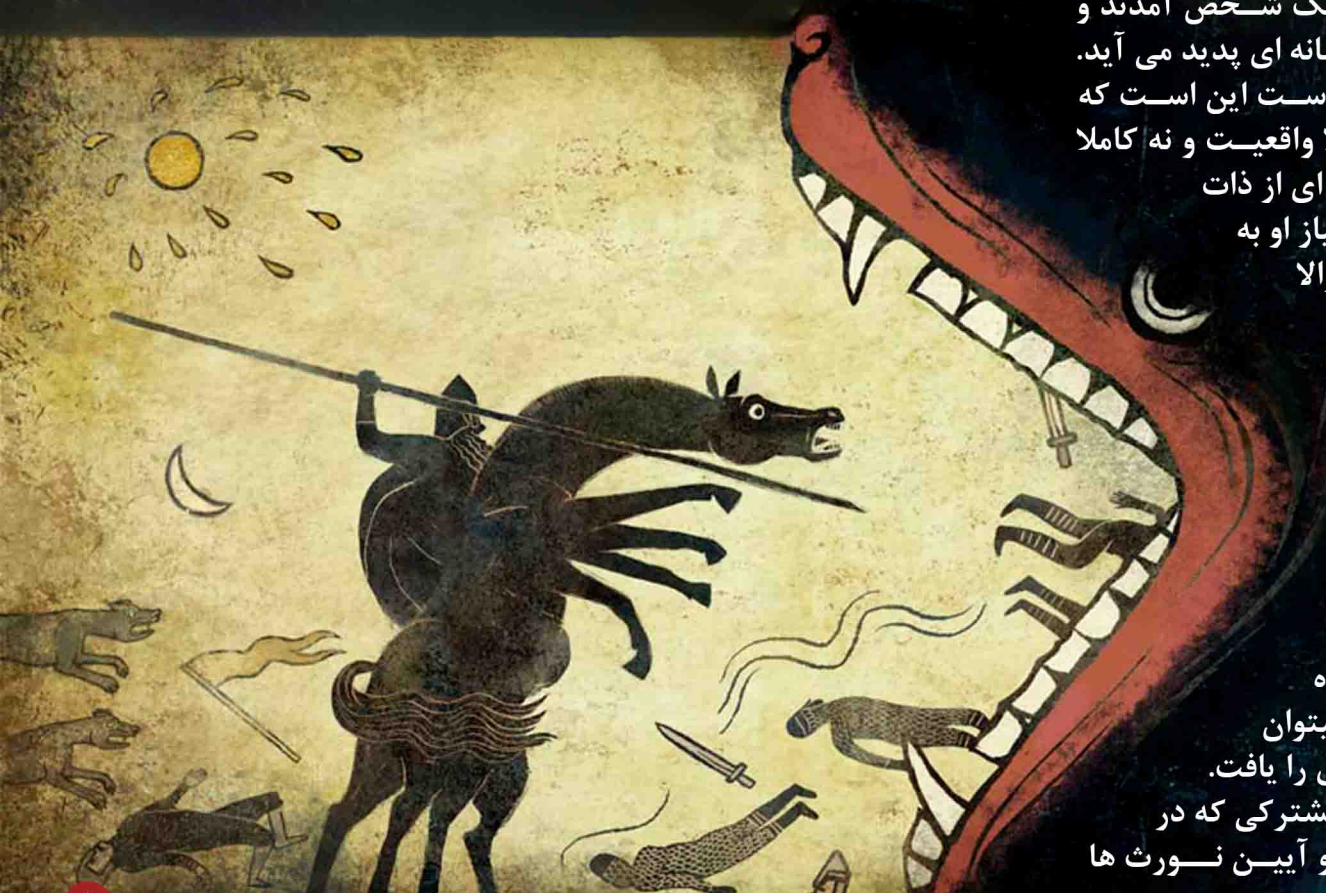
علیرضا نظری
فرهنگی تاریخ

از وضع مقررات اخلاقی ناکام می ماند ناچار انسان باید به تجربیات دینی و اسطوره ای خود رجوع کند. نتیجه این مقاله در بند پایانی بیان شد. اساطیر را نباید صرفاً توهمات انسان کهن دانست زیرا که نخست انسان مدرن هم این کار را امروزه انجام می دهد. میتوان آن را به وضوح در مجسمه ها و نام هایی که بر خیابان ها مینهد جستجو کرد. دوم آنکه حکمتی در آن جاری است که انسان در هر برهه زندگی خود از آن بهره مند میشود و الگویی اخلاقی برای خود از روی آن میسازد.

میبینیم ما را به ریشه مشترک **ژرمن ها** و نورث ها میرساند. بنابراین اسطوره مبنایی منطقی دارد با توجه به آنچه آدمی بوده و هست و ذات او اقتضا میکند که اینگونه باشد. او پرسش هایی داشته که همیشه ذهنش را مشغول می نموده، الگوهایی نیاز داشته که سرمشق خود قرار دهد و سپس کار هایی انجام میداده و خود چه بسا در گذر زمان اسطوره ای دیگر می شد و همین او را معلق میان وهم و واقعیت می ساخت. الیاده بر این باور بود که یکی از محوری ترین کارکردهای اسطوره بنیان نهادن سرمشقی بر رفتار انسانی است. انسان مدرن نیز همواره در تلاش است برای خود اسطوره بسازد. بارت نیز درباره اسطوره سازی مدرن مقالاتی منتشر کرده است که بیان می دارد آنجا که دانش مدرن

آنچه ما از تاریخ آموخته ایم این است که داریوش سوم از اسکندر شکست می خورد و شاهنامه نیز آن را بیان داشته است. تفاوت آن با تاریخ مکتوب در نامه است. عده زیادی شک دارند که شاید **کیخسرو** همان **کوروش بزرگ** بوده که تا زمان فردوسی به دلیل کارهایش حالتی افسانه ای گرفته. یعنی تا پایان **هخامنشیان** منبع مکتوبی به نظر از خود ایرانیان به جا نمانده بود تا **فردوسی** آن را بیان کند. هخامنشیان مدتها حالتی افسانه ای برای پادشاهان بعد خود داشته اند و می توان مشاهده کرد که **ساسانیان** خود را مستقیماً به آنان نسبت می دادند. زیرا که مشروعیتی دینی به آنان می بخشید. این مورد تنها مربوط به تاریخ ایران نیست و حتی در **ساگا (سرگذشت نامه)** های **نورث ها** می توان دید که افرادی بعضاً ترکیب شده اند و منطقی نمی آید که شخصی در تمام دوران زندگی خود این چنین قدرتی را داشته باشد. در واقع ممکن است عده ای با نامی مشخص بوده اند که کارهایی بزرگ انجام داده اند. بعد از شهرت بخاطر عدم اهمیت نوشتن در فرهنگ باستانی مردم **اسکاندیناوی**، این ها همه در نظر عوام یک شخص آمدند و نتیجتاً شخصی افسانه ای پدید می آید. آنچه که در نظر ماست این است که اسطوره ها نه کاملاً واقعیت و نه کاملاً تخیلند. آنها نشانه ای از ذات پرسشگر آدمی و نیاز او به قرار دادن الگویی والا

برای بدی و زشتی و نیکی و زیبایی و ... هستند. گاه در بطن آنان نشانه هایی از تاریخ دیده می شود مانند آنچه از کیانیان و تروا فهمیدیم. گاه با تطبیق اساطیر میتوان شباهت اقوام بشری را یافت. برای نمونه عقاید مشترکی که در پاگانیسم ژرمن و آیین نورث ها



قرنطیت‌زدگی



نگارگر: ایگور کوندنکو

● دلیل افت قیمت نفت دریای شمال انگلستان؟ ستاد قمی ها و بلایای اقتصادی.

پس بیایید به تحقیر کردن هم میهنان خودمان با عزم جزم ادامه بدهیم (به ارق خود نسبت به کلانشهر قم افتخار میکند و لبخند غرور آمیز می‌زند)

● کلاس های مجازی

بهترین راه حل این روزهای کلاس و درس، تبدیل شدن به حالت مجازی است که واقعا امیدواریم این روند ادامه پیدا نکند و حتی ترم حذف بشود. اما خطاب به اساتید باید گفت که خواهشا تصور نکنند که ما این روزهای کلاس را کنار سواحل دریای مدیترانه با نوشیدن آبمیوه ادامه میدهیم و با خبثت تمام فقط سعی داریم حضوری را بزنیم و داریم به قدیس بودن کلاس توهین میکنیم و با تنبلی دنیا به کام ماست، بلکه ما با اسم رمز یا زهرا فقط سعی به این داریم که در وهله اول وارد سایت بشویم و به امید لوط نبی بین این قطع و وصل شدن ها کلمات گنگی را هم رمزگشایی بکنیم و بخدا نهایت خلافتان این است که کلاس های شما را با یک چشم باز و یک چشم بسته ادامه میدهیم حالا که یک بار برای همیشه چنین سعادت برای تحقق پیدا کردن فانتزی هامان نصیبمان شده. از تمامی اساتید خواهش دارم با ریتم صدای یک شکل کلاس را ادامه بدهند و گچ مجازی به ما پرت نکنند و به عبارت بهتر به سراغ این دانشجوها اگر می آید نرم و آهسته بیایید مبادا که ترک بردارد چینی نازک چرت های ما! البته عیب این جمله چو گفتیم هنرش نیز بگیم، هیچ کس فکرش را نمیکرد که شمایی که پنج دقیقه آخر کلاس

همدیگر خیره بشویم اما احتمال سلام کردن ما به همدیگر در حد برگشتن قیمت بنزین به قبل از صبح جمعه است) اما این رو بگم به شما که اگر به لحظه اولین کلاس حضوری و زهر چشم گرفتن اساتید و یا امتحان میان ترم فکر بکنید دلتان شاید برای خانه تنگ بشود پس لبخند بزنید و به سقف خانه هایتان خیره بشوید و ببینید معمار خانه کدام قسمت از گچ کاری را با سهل انگاری انجام داده؟ و ببینید که چقدر کاغذ دیواری خانه ها جذاب و امن است. این روز ها که از به روز ترین نظرات مردم در فضای مجازی این است که چرا قم را قرنطینه نکردند؟ باید به شما بگم شماها خیلی ساده اید!! پشت پرده ماجرا رو هنوز نمی دونید. قمی ها نه تنها ویروس رو به اقصی نقاط کشور، به جزیره قشم هم منتقل کردند. بلکه چینی های حوزه را هم قمی ها آلوده کردند. اگر گفتید آتش سوزی جنگل های استرالیا و چسب زخم خوردن به صورت کوالاها تقصیر چه کسانی بود؟ ● ستاد اذیت و آزار قمی های سراسر کشور ● مقصر آلودگی هوا؟ کمپین ساکنین زنبیل آباد قم کوتاهی کردند.

سلام، تا فرصت هست و هنوز نه بادمجانی از آسمان باریدن گرفته و دماوند هم یادش نیست وقت فوران کردن است و نه توفان و زلزله دلشان می آید به این اقلیم درمانده سر بزنند، عرایضم را خدمت شما میگویم.

اول از همه تبریک میگویم به جهان، تو بردی! این قشر دلش برای حتی دست دادن ساعت هشت صبح در اتوبوس پر از آدمی که (هر چقدر این آدم ها التماس میکنند اتوبوس اضافه بفرستید چون گلاب به روی عزیزان هراتوبوسی ظرفیتی دارد، اما آن ها اتوبوس اضافی را نمی فرستند) هم تنگ شده است این قشر دلش حتی برای پشت کردن همکلاسی هاشان وقتی از آن ها خواهش می کنی که بیایید درباره مشکلات برنامه ریزی ترم با مسئولین صحبت بکنیم هم تنگ شده است، این قشر حتی دلش برای سایت دلبر گلستان و سر کوبیدن به لپ تاپ تنگ شده، این قشر بین قم و نیویورک حتما پردیس قم را ترجیح میدهد چون این بار حتی دلش برای شهر مقدس قم هم تنگ شده است (خودتون با عجب آدم دروغ گویی طرف هستید) این قشر دلش برای ساعت های فراوانی که به تجزیه و تحلیل می پرداخت که به همکلاسی هایش سلام بکند یا نه هم تنگ شده اما (قسم به نون و القلم که اگر دوباره همدیگر را ببینیم باز هم شاید در چشم های



استاد شفیعی کدکنی درباره رجال ادبی در این زمانه می‌گوید:

کسانی اند که روزنامه هارا اشغال کرده اند و در زمینه مسائل اجتماعی آدم های سطحی ای هستند. بهار در تبعید است، ایرج مرده است، عارف به دوران زندگی گیاهی خود ادامه میدهد، عشقی هم ترور شده است. فشار و سانسور به حدی است که انتقاد در شعر سطحی شده است و اجازه ی پرداختن به مسائل عمقی را نمی‌دهد.

در حالی که ایرانی ترین نوع اندیشه سیاسی شعر است. فردوسی در شاهکار ادبی خود، شاهنامه، حفظ فرهنگ سیاسی با زمینه پهلوانی، حفظ روحیه سلحشوری مردم ایران زمین، ترسیم جامعه ی آرمانی را هدف خود قرار داده است.

وی اهمیت خردمندی و خرد ورزی را سرلوحه ی کار خویش قرار داده و از اهمیت دادگری و عدالت سخن می‌راند و اینگونه درک بالای سیاسی او در اشعارش پیداست. بوی خطر در هر زمینه ای در جای جای سرزمین ایران به مشامش رسیده و سعی در آگاه سازی مردم دارد.

حافظ چشم بر وضعیت عینی حیات خود نبسته و به وضوح نگرش انتقادی در اشعارش نمودار است. حافظ یک منتقد اجتماعی و یک صلح طلب است. به دنبال تغییر اوضاع است و در این مسیر تلاش کرده است. **حافظ در نقد عملکرد حاکمیت استبدادی بارها و بارها تذکر داده است.** همچون نقاشی چیره دست پیامدهای حمله ی مغولان را در دیوان خود به ترسیم کرده است.

از حاکمان خودکامه گفته است و از تزویر و ریاکاری فقیه و صوفی و...! سعدی، در عصری ظهور یافت که تملق و چابلوسی پیشه شاعران بوده و هنر و ادب فارسی را راهی برای کسب درآمد خود می‌دانستند. شاعری که به هم قطاران خود درس دین، اخلاق و انسانیت داد.

شعر در بند



فاطمه موسوی
ادیب - کات اجتماعی

همواره شاهد این بوده ایم که شاعران و سیاستمداران برای نیل به اهداف خود از شعر بهره می‌جستند. شاعران در دستگاه حکومت صاحب مقام مهمی بوده اند و برای هر حکومتی این چنین مقامی دارای ارزش بود. سیاسیون از شعر برای رسایی و نفوذ کلام خود و شاعران برای بیداری مردم استفاده می‌کردند.

نظامی عروضی در چهارمقاله شعرا را از خواص پادشاهان می‌داند.

شعر و ادبیات از عوامل موثر در تداوم سنت پادشاهی در ایران بوده است. تغییر و تحول در ادبیات متأثر از تغییرات خرد و کلان در عرصه ی سیاست و جامعه بوده است. در بررسی سیر حرکت شاعران، می‌توان گفت که از دوران رودکی مدح پادشاه و صاحب منصبان رواج داشته اما در اواخر عصر قاجار شعر توسط شاعرانی همچون فروغی بسطامی و یغمای جندقی و... هویتی مردمی یافت اما در عین حال بدون محتوای آنچنانی. شعر دوران مشروطیت به دوره گذرا معروف است، زیرا همه ی مسائل در حال تغییر و تحول اند.

تعریف نهایی از ادبیات مشروطه بخشی از ادبیاتی است که در دوره ی مبارزه با مشروطه خواهان بر ضد حکومت استبدادی به وجود آمد و هدف آن مبارزه برای کسب آزادی بود.

شعر در دوران پهلوی اول با از بین رفتن شخصیت های ادبی همراه بود.

تنها راه ورودتون به کلاس تونل زدن و یا گرفتن روزنامه جلوی چشمتان با عینک آفتابی بود تا توسط استاد شناسایی نشوید بتوانید به راحت ترین شکل ممکن پنج دقیقه آخر کلاس مجازی حاضری بخورید و همین طور برای اساتید که میتوانند ساعت یک شب که هم کلاس مجازی برگزار بکنند تا از لحظه لحظه کنار هم بودن‌ها استفاده بکنیم.

با وجود کلاس های مجازی مصرف لوازم آرایش کشور برای بانوان و ژل برای آقایان چقدر کمتر شد تا این پول ها رو در جیبتان ذخیره کنید برای کافی شاپ رفتن های بعد از قرنطینه.

در آخر برای همگی آرزوی سلامتی میکنم و از خدا میخواهم که بعد از این ایام همگی فرزند طلاق نشده باشیم چون شاید باورش برایتان سخت باشد اما نوشتن در عین حال که تعدادی زیادی از لوازم خانه از جلوی چشمت رد بشوند واقعا سخت است و از سردبیر محترم میخواهیم ما را بیمه سوانح قرنطینگی بکنند.



نگارگر: احسان شبانیان



دیکتاتورها تلاش می‌کنند آنچه که وجود ندارد را نشان دهند. ریا و ظاهر سازی از وقایع رخ داده در جامعه از ویژگی‌های اساسی اهالی سیاست است.

اما شاعران و نویسندگان با قلم تیز خود پرده از واقعیت کنار می‌زنند و هر آنچه به واقع وجود دارد را بیان می‌کنند.

پس ترس همیشگی حکومت‌مداران از زبان‌رسانی جامعه یعنی شاعران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران امری بدیهی است. نماد این ترس و وحشت دیکتاتورها **سانسور** است. در جوامعی که سانسور وجود دارد مسئولیت شاعران و نویسندگان سنگین‌تر می‌شود زیرا باید همان مطالب را با ظرافت بیشتری بیان کنند.

بعضی موضوعات در تیررس سانسور قرار دارد موضوعاتی مثل دین و اخلاق که هم از اهمیت بالایی برخوردار است و هم پیوندی ناگسستنی با سیاست دارد.

وجود سانسور باعث می‌شود انگیزه شاعر و نویسنده برای بیان مطالب در حوزه ادب اجتماعی-انتقادی کم شود و بدین ترتیب در دوران معاصر از ادبیات سیاسی آنچنان خبری نباشد.

اخبار ضد و نقیضی از سانسور و توقیف کتاب، مقاله، نشریه، فیلم و یا هر اثر هنری و ادبی و یا زندانی کردن و تبعید شاعران و نویسندگان در سطح جامعه به گوش می‌رسد که باعث آزردن خاطر شدن و ناامیدی ادب‌دوستان و البته مردمی می‌شود که به دنبال آگاهی و آگاهی‌رسانی هستند.

در باب اول گلستان در سیرت پادشاهان و در باب اول بوستان از آیین مملکت داری سخن به میان آورده است. ملک **الشعراى بهار** نه فقط شاعر و نویسنده بلکه سیاستمداری توانا بود. بارها در آثارش فضای تاریک و اختناق آمیز کشور را ترسیم کرده اما در نهایت اینگونه بیان می‌دارد که:

من به ایران و ایرانی امیدوارىها دارم. بگذار بازهم پتک حوادث مارا بکوبد، بگذار چنگیز و تاتار دیگر هم مارا خرد و خمیر کنند بگذار نان و ثروت مارا بازهم غارت کنند... آیا این آسمان الهام بخش راهم از ما خواهند گرفت؟

از اشعار شاملو که علیه نظم و شالوده‌ی نهادهای ستنی است نمی‌توان گذشت، شعری که علیه جامعه‌ی ادبی سنت‌گرا و هنجارهای رایج اجتماع است.

شاعری که علیه هر آنچه در حافظه‌ی تاریخی وجود دارد عصیان می‌کند و در برابر آن به پا می‌خیزد. اما **شاملو** نیز بدبینی‌ای که به جامعه دارد را محرک می‌داند و در نهایت امید به رهایی دارد. **پرنده‌ی نو پرواز، به آسمان بلند سرانجام پر باز می‌کند.**

اما آیا شعر سیاسی در دوران معاصر ایران وجود دارد؟

آیا عدم وجود شعر سیاسی ناشی از ضعف شاعران در ارتباط گیری با محیط جامعه است یا کنترل و فشار از جانب حکومت یا دولت وجود دارد؟

آیا سانسور در وجه ادبی و هنر جامعه وجود دارد؟

اورسولا نویسنده و شاعر معاصر آمریکایی معتقد است **مستبدان و دیکتاتورها از شاعران هراس دارند.** شاید بتوان گفت

ماهیت شعر به نوعی است که نمی‌توان آن را همانند اخبار منتشر شده در روزنامه تکذیب کرد، ذات شعر بر روان و احساسات و اعتقادات عمیق مردم تاثیر گذار است و شاعران به طور مستقیم به مسائل سیاسی و اجتماعی ورود پیدا نمی‌کنند اما آن را طوری بیان می‌کنند که اثر بخشی بیشتری دارد و در عین حال گیری کنند.

دانشگاه صادرکننده مجوز:

دانشگاه تهران

صاحب امتیاز، مدیرمسئول، سردبیر، طراح و صفحه‌آرا:

محمّدامین عبیدی قمی

زمینه انتشار:

فرهنگی-اجتماعی سیاسی، اقتصادی، هنری، ادبی

تاریخ انتشار: ۲۹ فروردین ۱۳۹۹ شماره: پنجم

حتما با ما در تماس باشید.
منتظر نظرات، پیشنهادات شما هستیم
CHARKHE_UT

